

نقد سندی، متنی و دلالتی حدیث «یابی الله و رسوله إلا ابا بکر» بر خلافت ابوبکر، در بستر تاریخی و کلامی

مرتضی حسینی^۱

چکیده

حدیث «یابی الله و رسوله إلا ابا بکر» از مهم‌ترین روایات مورد استناد گروهی از اهل سنت برای اثبات افضلیت و استحقاق ابوبکر برای خلافت بلافصل پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. این روایت، که اغلب در کنار ماجرای امامت ابوبکر برای نماز در ایام بیماری حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل می‌شود، از منظر حامیان، بیان‌گر رضایت الهی و اجماع مؤمنان بر خلافت اوست و به‌عنوان نوعی نص خفی یا جلی بر امامت وی تلقی شده است. این پژوهش با روش تحلیلی-انتقادی به بررسی جوانب مختلف این حدیث پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اعتبار سندی و متنی این حدیث با چالش جدی مواجه است. علاوه بر این، دلالت آن بر امامت عظمی به دلایل کلامی و فقهی - که نشان‌گر عدم ملازمه بین امامت در نماز و امامت عظمی است - و شواهد تاریخی - همچون دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به همراهی جیش اسامه، و عدم احتجاج به این نص در سقیفه - باطل شناخته شده است. این پژوهش در نهایت نتیجه می‌گیرد که این حدیث نسخ‌های تحریف شده از ماجرای درخواست قلم و کاغذ حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوده که با هدف تثبیت خلافت ابوبکر در مقابل نص صریح بر امامت امیر المؤمنین علیه السلام جعل شده است.

واژه‌های کلیدی: حدیث «یابی الله و رسوله إلا ابا بکر»، خلافت ابوبکر، نقد سندی، امامت.

۱. دانش پژوه سطح ۴ موسسه آموزش عالی امام صادق علیه السلام، مرکز تخصصی علم کلام. رایانامه: mortezahasani17@iran.ir

مسئله جانشینی رسول اکرم ﷺ از مهم‌ترین و حساس‌ترین مباحث کلامی و در جهان اسلام است. حدیث «یأیی الله و رسوله إلا أبا بکر» از جمله روایاتی است که توسط گروهی از اهل سنت به‌عنوان شاهی بر نص یا اشاره خفی بر استخلاف ابوبکر تلقی شده است (ابن ابی العز، ۱۴۳۱ق، ۴: ۵۸۹ و ۵۹۰؛ ابن ابی العز، ۲۰۰۵م: ۴۷۱-۴۷۲). این روایت، غالباً در دو بستر زمانی نقل شده است: یکی در پیوندی مستقیم با ماجرای درخواست دوات و قلم توسط پیامبر اکرم ﷺ برای نوشتن، و دیگری در ارتباط با دستور حضرت به امامت نماز توسط ابوبکر در ایام بیماری منجر به رحلت آن حضرت.

جمهور اهل سنت و متکلمان ایشان بر آنند که خلافت ابوبکر با بیعت و اجماع ثابت شد و پیامبر اکرم ﷺ بر کسی نص نفرمود (جرجانی، بی تا، ۸: ۳۵۴). با این حال، گروهی از اهل سنت، از جمله حسن بصری، معتقدند که خلافت ابوبکر با نص خفی (تقدیم در نماز) یا نص جلی (حدیث «یأیی الله...») ثابت شده است (تفتازانی، ۱۴۱۲ق، ۵: ۲۵۹). از منظر قائلان به نص، این حدیث گواه بر افضلیت ابوبکر بر سائر صحابه و احقیق او به خلافت است (ابن ابی العز، ۲۰۰۵م: ۴۷۲). براین اساس نقد دقیق سندی، متنی و دلالی این روایت برای روشن شدن مبانی تاریخی و کلامی بحث جانشینی، امری ضروری است. پژوهش حاضر عهده‌دار این مهم است.

پیشینه پژوهش: در آثار کلامی و حدیثی اهل سنت، این حدیث به اشکال گوناگون برای اثبات افضلیت ابوبکر مورد استدلال قرار گرفته است. ابن حجر می‌گوید: این امر، یعنی تقدیم در نماز با قید «یأیی الله...»، اشاره یا تصریح به احقیق او به خلافت دارد (هیتمی، بی تا: ۴۶-۴۷). ابن ابی العز (۲۰۰۵م: ۴۷۲) نیز این حدیث را در زمره ادله نص بر امامت ابوبکر ذکر کرده است. اما در متون نقد، به‌ویژه از سوی متکلمان امامیه و برخی معتزله، این حدیث از دیرباز مورد تردید قرار گرفته است. سید مرتضی و متکلمان پس از او، شبیه نص از طریق امامت در نماز و حدیث «یأیی الله...» را از ضعیف‌ترین شبهات دانسته‌اند (علم‌الهدی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۵۸؛ مقاتل، ۱۴۲۳ق، ۱: ۱۹۴-۲۰۲؛ لاهیجی، ۱۳۸۳: ۵۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۸: ۱۶۰). نقد اصلی آنان این بود که این روایت خبر واحد است و نمی‌تواند مستند حکم قطعی در اصول دین قرار گیرد (همان). همچنین، مستند حسن بصری که قائل به نص خفی است، ضعیف شمرده شده و حتی توسط جمهور اهل سنت مورد اعتنا قرار نگرفته است (حزین لاهیجی، ۱۳۷۵: ۱۸۸). راغب اصفهانی نیز نقل این روایت با لفظ «ایتونی بدواة و قرطاس أکتب لأبی بکر کتابا لا یختلف

فیه اثنان. ثمّ قال: یأیی اللّٰه و المسلمون إالا أبا بکر» را ساختگی و کذب صریح شمرده است (همان).

در مطالعات معاصر نیز، تمرکز بر روی اضطراب و تهافت متنی و سندی این روایت تشدید شده است. علامه امینی (۱۴۱۶ق، ۵: ۵۴۳) این روایت را صورت ممسوخ و جعلی حدیث قلم و کاغذ دانسته است که برای مقابله با نصی که پیامبر اکرم ﷺ قصد داشت بنویسد، ساخته شده است. در آن ماجرا، عمر با این بهانه که «الرجل لیهجّر» (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۱: ۹۷ و ۱۱: ۱۲۰) یا «غلبه الوجع» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۵: ۳۵) مانع نوشتن وصیت شد. از این رو ماجرای «یأیی اللّٰه إالا أبا بکر» با هدف تثبیت خلافت ابوبکر در مقابل نص اصلی که پیامبر اکرم ﷺ قصد نگارش آن را داشت، جعل شده است. وی با اشاره به اینکه این روایت - طبق نقل عایشه- در تعارض با خواست پیامبر اکرم ﷺ در ماجرای قلم و کاغذ است، آن را باطل می‌داند. ابن ابی الحدید نیز روایت عایشه در خصوص وصیت برای ابوبکر را غیر صحیح می‌داند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ۱۱: ۴۹).

برخی نیز حدیث را از نظر سند و دلالت مخدوش دانسته و روایان اصلی آن، یعنی «ابن شهاب زُهری» و «عروه بن زبیر» را از منحرفان مشهور دانسته، و عایشه را در این زمینه متهم شمرده و مجهول بودن حدیث را قطعی می‌دانند (حسینی میلانی، ۱۴۱۳ق: ۱۹۴). همچنین در بررسی‌های جدید، نقد اضطراب متن که در بخش‌های بعدی خواهد آمد، تعارض آن با وظایف اصلی ابوبکر و عمر، مانند حضور در جیش اسامه، تقویت شده است (همان).

۱. متن حدیث و تنوع عبارات

حدیث «یأیی اللّٰه ورسوله إالا أبا بکر» دارای چند عبارت متغیر و بستر روایی متفاوت است:

أ) عبارت مشهور وصیت: مطابق ادعای صورت گرفته، پیامبر اکرم ﷺ به عایشه فرمودند: «ادعی لی أباک و أخاک حتی أکتب لأبی بکر کتابا، فإنی أخاف أن یقول قائل و یتمنی و یأیی اللّٰه و المؤمنون إالا أبا بکر» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۲: ۵۰؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ۴: ۲۵۳).

ب) عبارت وصیت با ذکر رسول: «یأیی اللّٰه ورسوله إالا أبا بکر». این تعبیر در منابع روایی یافت نشد، لکن در برخی کتب غیر روایی ذکر شده است (قاضی عبد الجبار، بی تا، ۲/۲۰: ۱۳۲؛ جرجانی، بی تا، ۸: ۳۶۶).

ج) عبارت دفع مؤمنان: «یأیی اللّٰه و یدفع المؤمنون» یا «یدفع اللّٰه و یأیی المؤمنون» (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۹: ۱۱۴؛ همان، ۱۱: ۶۹؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ۳: ۵۳۰).

د) عبارت ایای الهی و مسلمانان در ماجرای نماز: پیامبر اکرم ﷺ پس از شنیدن صدای بلند عمر در نماز فرمود: «فَأَيْنَ أَبُو بَكْرٍ، يَا أَيُّهَا اللَّهُ ذَلِكُ وَالْمُسْلِمُونَ» (ابن حنبل، ۱۶۱۶ق، ۳۱: ۲۰۳؛ همان، ۴۱: ۲۷۱؛ ابوداود، ۱۴۲۰ق، ۴: ۱۹۹۳) یا «يَا أَيُّهَا اللَّهُ وَالْمُسْلِمُونَ ذَلِكَ» (حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵ق، ۷: ۱۳).

علاوه بر این، برخی از نقل‌ها گفته‌اند که به جای «المؤمنون» عبارت «النبیون» آمده و حدیث چنین است «و یأیی اللّٰه و النبیون إلاّ ابا بکر» (ابن حزم، ۱۴۱۶ق، ۳: ۲۷).^۱

۲. بستر روایی حدیث

این عبارت عمدتاً در دو ماجرای مهم ایام بیماری پیامبر اکرم ﷺ مطرح شده است: (أ) ماجرای قلم و کاغذ: بر اساس نقل عایشه که بخاری، مسلم، احمد بن حنبل، نسائی و ابن سعد گزارش کرده‌اند، پیامبر اکرم ﷺ در ایام بیماری، از عایشه خواستند که پدر و برادرش عبدالرحمن را نزد او حاضر کند تا برای ابوبکر نامه‌ای بنویسد که احادی در خلافت او اختلاف نکنند (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۹: ۱۱۴؛ مسلم، ۱۴۱۲ق، ۴: ۱۸۵۷؛ ابن حنبل، ۱۶۱۶ق، ۴۲: ۵۰؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ۴: ۲۵۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۳: ۱۳۴).

نکته قابل توجه در این نقل این است که حضرت پس از آن که اراده خود برای نوشتن وصیت را اعلام کرد، با اطمینان به اینکه خدا و مؤمنان جز ابوبکر را نمی‌خواهند، از نوشتن آن منصرف شده و چیزی مرقوم نکردند!

در نقل بخاری (۱۴۱۰ق، ۹: ۱۱۴ و ۱۱: ۶۹) و بیهقی (۱۴۲۴ق، ۳: ۵۳۰) عبارت مورد بحث، از قول عایشه ذکر شده است که گفت: «ثُمَّ قُلْتُ: يَا أَيُّهَا اللَّهُ وَ يَدْفَعُ الْمُؤْمِنُونَ». (ب) ماجرای امامت نماز: این حدیث در هنگام اعتراض پیامبر اکرم ﷺ به نماز خواندن عمر نیز مطرح شده است. روایت عبد الله بن زععه بیان می‌کند که حضرت رسول ﷺ در شدت بیماری فرمود: «مَرُّوا مِنْ يُضَلِّي بِالنَّاسِ»، و از آنجا که ابوبکر غایب بود، عبد الله بن زععه به عمر گفت که نماز بخواند، و هنگامی که نبی اکرم ﷺ صدای بلند عمر را شنید، با خشم سر از حجره بیرون آورد و فرمود: «فَأَيْنَ أَبُو بَكْرٍ، يَا أَيُّهَا اللَّهُ ذَلِكُ وَالْمُسْلِمُونَ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۳۱: ۲۰۳؛ و ۴۱: ۲۷۱؛ ابوداود، ۱۴۲۰ق، ۴: ۱۹۹۳). در برخی نقل‌ها آمده که سه بار فرمود: «لَا لَّا لَّا لِيُضَلَّ بِالنَّاسِ ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ» (ابوداود، ۱۴۲۰ق، ۴: ۱۹۹۳).

۱. در پاورقی این کتاب، به منابعی که این تعبیر را ذکر کرده‌اند ارجاع داده شده و بیان گردیده است: «رواه مسلم فی فضائل الصحابة باب ۱۱، و أبو داود فی السنّة باب ۱۱، و أحمد فی المسند (۲۸۲، ۴/۵۳)، لکن با مراجعه به منابع مذکور، چنین تعبیری یافت نشد.

۳. نقد سندی حدیث

حدیث «یأبی الله و رسوله إلا أبا بکر» یا «یأبی الله و المؤمنون إلا أبا بکر» خبر واحد است و بنا بر مشهور متکلمان امامیه و حتی برخی از اهل سنت، خبر واحد نمی‌تواند در اصول دین و امور مهمی چون مسئله امامت که نیاز به علم قطعی دارد، مستند قرار گیرد (علم الهدی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۱۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۸: ۱۴۹ و ۱۶۰). علاوه بر این، بررسی دقیق اسناد این روایت، به‌ویژه در طرق اصلی آن، اشکالات جدی رجالی و اتهام به غرض‌ورزی را آشکار می‌سازد که در ادامه به آن می‌پردازیم:

۳-۱. بررسی راویان حدیث

سند اصلی این حدیث، به ویژه نقلی که در باب وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطرح شده، غالباً از طریق عایشه به ما رسیده و در این طریق، عروة بن زبیر و زُهری نقش محوری دارند. همچنین روایت مربوط به نهی عمر از امامت نماز، از طریق عبدالله بن زمعه نقل شده است.

نقد عایشه به عنوان راوی اصلی: بخش عمده‌ای از روایات، چه در مورد قضیه قلم و کاغذ (وصیت) و چه در مورد نماز، به عایشه، دختر ابوبکر، منتهی می‌شود، و روایت او در این مسئله معتبر نیست؛ زیرا او در این قصه ذی نفع بوده و متهم به جلب منفعت برای پدرش است (شوشتری، ۱۳۶۷ق، ۲: ۱۰۵).

علاوه بر این، عایشه آشکارا متهم به دشمنی و بغض نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ امری که نزد فریقین مشهور است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۸: ۱۴۹). این بغض، احتمال تدلیس و یا تحریف در روایت را بالا می‌برد (همان؛ شوشتری، ۱۳۶۷ق، ۲: ۱۰۵). یکی از شواهد بغض عایشه نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام، همین ماجرا است. در گزارش‌هایی که عایشه درباره خروج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حجره به مسجد در ایام بیماری می‌دهد، ذکر می‌کند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله تکیه بر عباس و مردی دیگر داده بود (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲: ۱۶۸ و ۱۶۹). ابن عباس این امر را فاش ساخته و می‌گوید: «آیا مردی را که عایشه نامش را نبرد، می‌دانی کیست؟ او علی بن ابی طالب علیه السلام بود، اما عایشه قلباً نمی‌خواست [کار] خیری از او را ذکر کند» (ابن جنبل، ۱۴۱۶ق، ۴۰: ۶۹؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲: ۱۷۹؛ ابن کثیر، بی‌تا، ۵: ۲۲۵). این پنهان‌کاری در نقل، بر غرض‌ورزی و عدم امانت او در نقل کامل وقایع دلالت دارد.

نقد راویان میان‌ی: در سلسله سند این روایت، نام‌هایی چون محمد بن مسلم بن شهاب زُهری و عروة بن زبیر، پسر خواهر عایشه دیده می‌شود که از مشهورترین منحرفان از امیرالمؤمنین علیه السلام و از مروجان اهداف سلاطین و مخدوش‌کنندگان حقایق محسوب

می‌شوند. ابن شهاب زهري از منحرفان از حضرت امير عليه السلام شمرده شده است (ابن ابی الحديد، ۱۴۰۴ق، ۴: ۱۰۲؛ ثقفی، ۱۳۹۵، ۲: ۵۷۷). علامه مامقانی معتقد است زهري دارای رأی مستقيم نبوده و شخصيت ثابتی در گرايش به افراد نداشته است، و از اين رو به اخبار او اعتماد نمی‌کند (مامقانی، ۱۳۵۱ق، ۳: ۱۸۷). برخی نیز زهري را از تبليغ‌کنندگان اکاذيب و مقاصد سلاطين شمرده‌اند (حسينی ميلانی، ۱۴۱۳ق: ۱۹۴).

عروة بن زبير نیز کسی بود که آشکارا به دشمنی با امير المؤمنين عليه السلام معروف بود. به گزارش ابن ابی الحديد، عروه هنگامی که نام حضرت امير عليه السلام برده می‌شد، به وی طعنه می‌زد و بدگویی می‌کرد (ابن ابی الحديد، ۱۴۰۴ق، ۴: ۱۰۲).

حسن بصری نیز مورد نقد شديد قرار گرفته و از جمله، امير المؤمنين عليه السلام او را «سامری امت» نامیده‌اند و هنگامی که وی به امير المؤمنين عليه السلام طعنه زد، حضرت او را نفرین کرد که همواره در بدی و ناراحتی باشد (ابن ابی الحديد، ۱۴۰۴ق، ۴: ۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۸: ۱۵۸).

حاصل‌آنکه حضور این افراد که در جبهه مخالف امير المؤمنين عليه السلام قرار داشتند، در سندی که به دنبال اثبات فضيلت رقيب امير المؤمنين عليه السلام است، سند را ضعيف و مشکوک می‌سازد.

۲-۳. بررسی طرق مختلف حدیث

چنان‌که گفته شد، این حدیث، فارغ از روایانش، در دو بستر تاریخی و با الفاظ متفاوت نقل شده است:

طریق حدیث قلم و کاغذ (وصیت): این طریق، عمدتاً از عایشه و عبدالرحمن بن ابی بکر نقل شده است که طبق آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قصد داشتند برای ابوبکر کتابتی بنویسند تا کسی در خلافت او اختلاف نکند؛ سپس از آن منصرف شدند و فرمودند: «يَأْبَى اللَّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَّا أبا بَكْرٍ». این روایت از دو جهت قابل نقد است:

۱. تعارض با روایت صحیح‌تر: این روایت دقیقاً در مقابل حدیث متواتر قلم و کاغذ قرار می‌گیرد که در آن، عمر مانع نوشتن وصیت شد (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۱: ۹۷؛ ۷: ۹۴ و ۱۱: ۱۲۰). از این رو برخی معتقدند این روایت در واقع صورت مسموخ آن حدیث اصلی است که برای توجیه ممانعت عمر جعل شده است (ابن ابی الحديد، ۱۴۰۴ق، ۱۱: ۴۹؛ امینی، ۱۴۱۶ق، ۵: ۵۴۳).

۲. اضطراب در الفاظ پایانی: الفاظ پایانی این نقل، دچار اضطراب شدید است؛ گاهی «يَأْبَى اللَّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَّا أبا بَكْرٍ» (مسلم، ۱۴۱۲ق، ۴: ۱۸۵۷؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۴۲: ۵۰؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ۴: ۲۵۳؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ۸: ۲۶۳)، گاهی «يَأْبَى اللَّهِ وَ الْمُسْلِمُونَ إِلَّا

أبا بکر» (نحاس، بی تا، ۲۳۲)، گاهی «یا ابی الله ذلک و المسلمون» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۳۱: ۲۰۳؛ ابوداود، ۱۴۲۰ق، ۴: ۱۹۹۳) و بالعکس (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۳۱: ۲۰۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵ق، ۷: ۱۳)، گاهی «یا ابی الله و یدفع المؤمنون» (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۹: ۱۱۴ و ۱۱: ۶۹؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲: ۱۷۴؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ۳: ۵۳۰) و حتی گاهی «یا ابی الله و النبیون إلا ابوبکر» (ابن حزم، ۱۴۱۶ق، ۳: ۲۷) ذکر شده است. این تشتت در لفظ اصلی روایت که یک بار بیشتر صادر نشده است، اعتبار آن را مخدوش می‌سازد.

۲-۲-۳- طریق حدیث امامت در نماز

مطابق این نقل، پیامبر اکرم ﷺ در ایام بیماری دستور دادند که ابوبکر با مردم نماز بخواند و هنگامی که عمر قصد امامت کرد، حضرت فرمودند: «فَأَيْنَ أَبُو بَكْرٍ، يَا ابْنَ اللَّهِ ذَلِكَ وَ الْمُشْلِمُونَ». این گزارش، عمدتاً از عایشه (بخاری، بی تا، ۲: ۴۵ و ۱۱: ۹۸؛ مسلم، ۱۴۱۲ق، ۱: ۳۱۳-۳۱۶؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ۲: ۳۵۶)، و عبدالله بن زمعه (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۳۱: ۲۰۳؛ ابوداود، ۱۴۲۰ق، ۴: ۱۹۹۳) نقل شده است، و نقل دیگران مانند ابوموسی اشعری و أسود و دیگران (ر.ک: بلاذری، بی تا، ۱: ۵۵۶-۵۵۷) نیز به عایشه ختم می‌شود. از این رو ادعای تواتر حدیث (هیتمی، بی تا، ۲۴)، بی‌اساس است. از سوی دیگر، بنابر نقل عایشه، پیامبر اکرم ﷺ مستقیماً ابوبکر را امر کرد (بخاری، بی تا، ۲: ۴۵ و ۱۱: ۹۸؛ مسلم، ۱۴۱۲ق، ۱: ۳۱۳ تا ۳۱۶؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ۲: ۳۵۶)، اما بنابر نقل عبدالله بن زمعه (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۳۱: ۲۰۳؛ ابوداود، ۱۴۲۰ق، ۴: ۱۹۹۳) حضرت رسول ﷺ ابتدا فرمود: «هُرُوا مَنْ يُصَلِّي بِالنَّاسِ»، یعنی به کسی بگویند که نماز بخواند. این بدان معناست که دستور عام صادر شد، نه دستور به امامت شخصی خاص. بدین‌روی، این امر نشان می‌دهد که تعیین ابوبکر، امر از پیش تعیین شده‌ای از جانب رسول خدا ﷺ نبوده است.

۴. نقد متنی حدیث

نقد متنی حدیث «یا ابی الله ورسوله الا ابوبکر» بر سه محور اصلی استوار است: اضطراب متن در نقل‌های مختلف، تعارض با نصوص قطعی، و تحلیل دلالت واژگان کلیدی که قصد غرض‌ورزانه روایان را آشکار می‌سازد.

۱-۴. تعارض با حدیث قرطاس

محوری‌ترین نقد متنی این روایت، تعارض آن با حدیث متفق علیه «قلم و کاغذ» و مصیبت عظمای روز پنج‌شنبه است (امینی، ۱۴۱۶ق، ۵: ۵۴۳). در حدیث قرطاس آمده

است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بستر بیماری خواستند وصیتی بنویسند که امت هرگز گمراه نشود، اما عمر بن خطاب با این ادعا که «إِنَّ الرَّجُلَ لِيَهْجُرَ» (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۱: ۹۷ و ۱۱: ۱۲۰) یا «غلبه الوجع» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۵: ۳۵) مانع نوشتن وصیت شد. در مقابل، روایت عایشه و عبدالرحمن بن ابی بکر ادعا می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خواستند نامه‌ای برای وصیت به خلافت ابوبکر بنویسند (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۱۱: ۶۹؛ مسلم، ۱۴۱۲ق، ۴: ۱۸۵۷؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۴۱: ۲۷۲ و ۴۲: ۵۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲: ۱۷۳). براین اساس اگر حضرت قصد داشتند تا برای ابوبکر وصیت کنند، دلیلی نداشت که عمر - که طرفدار ابوبکر بود- با ممانعت و نسبت دادن هذیان به حامل وحی، جلوی کتابت را بگیرد (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ۳: ۷۱۰ و ۷۱۲). این تناقض در عملکرد عمر نشان می‌دهد که قصد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نوشتن وصیت برای ابوبکر نبوده، بلکه به قصد تأکید بر نص غدیر و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است (حسینی میلانی، ۱۴۱۳ق: ۱۹۵). از این رو ابن ابی الحدید و علامه امینی صریحاً نقل عایشه درباره وصیت برای ابوبکر را ساختگی و مجعول و مختلق می‌دانند که در مقابل حدیث متواتر قلم و کاغذ جعل شده است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ۱۱: ۴۹؛ امینی، ۱۴۱۶ق، ۵: ۵۴۳).

۲-۴. تعارض با دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به «انفاذ جیش اسامه»

دستور اکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همان ایام کسالت، آماده سازی سریع لشکر اسلام به فرماندهی اسامه بن زید و حرکت بدون تأخیر آن بود (ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ۱: ۳۲۰؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ۱: ۱۷۶). حضرت صلی الله علیه و آله بر خروج سریع لشکر اصرار داشت و کسانی را که تخلف کنند لعن نمود (شهرستانی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۳۰؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ۶: ۵۲) و این تأکید شدید تا لحظات آخر حیات حضرت ادامه داشت (علم الهدی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۱۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۸: ۱۶۷). ابوبکر و عمر نیز جزء مأموران لشکر بودند که باید از مدینه خارج می‌شدند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲: ۱۴۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۵۹). بنابراین باقی ماندن ابوبکر در مدینه و عدم همراهی لشکر، تخلف امر پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ مگر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله او را معاف از حضور در لشکر کرده باشد، که چنین معافیتی صادر نشده، بلکه به دلیل تخلف از امر به خروج، مورد مؤاخذه پیامبر صلی الله علیه و آله هم قرار گرفتند (مفید، ۱۴۱۳ق [الف]، ۱: ۱۸۳).

۳-۴. اضطراب و تناقض در روایت امامت نماز

متن حدیث- در ماجرای امامت نماز- دچار تناقضات شدید داخلی است که اعتبار آن را از بین می‌برد:

أ) **تناقض در موقعیت امام و مأموم:** گزارش‌های عایشه، موقعیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ابوبکر را متناقض نقل می‌کنند؛ برخی می‌گویند حضرت رسول صلی الله علیه و آله نشسته و پشت سر ابوبکر نماز خواندند (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۲: ۶۶)، برخی می‌گویند ایشان سمت راست ابوبکر نشسته، در حالی که حضرت نشسته و ابوبکر ایستاده برای مردم نماز می‌خواندند (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۴۳: ۶۰)، و برخی می‌گویند حضرت در کنار ابوبکر، سمت راست یا چپ او نشستند (مسلم، ۱۴۱۲ق، ۱: ۳۱۴).

ب) **تناقض در نحوه نماز گزاردن:** بنا بر یکی از گزارش‌های عایشه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته نماز خواندند و ابوبکر ایستاده به ایشان اقتدا کرده و مردم نیز ایستاده به ابوبکر اقتدا کردند (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۴۳: ۶۰)؛ در حالی که بخاری و مسلم از عایشه نقل می‌کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر امام نشسته نماز خواند، مأمومین نیز باید نشسته بخوانند (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۲: ۵۲ و ۲۸۲؛ مسلم، ۱۴۱۲ق، ۱: ۳۰۹). این تناقض نشان می‌دهد که یا سنت نادیده گرفته شد یا گزارش منقول از عایشه، جعلی است (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ۱: ۱۹۶).

ج) **تناقض در واکنش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:** بنا بر گزارش‌ها، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تکیه بر امیرالمؤمنین علیه السلام و ابن عباس به مسجد آمده، ابوبکر را کنار زدند و خود، نماز را از امامت کردند (ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ۲: ۲۴۱). این عمل دلالت واضح دارد که دستور امامت از جانب پیامبر اکرم صادر نشده بود (علم‌الهدی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۱۵۹)؛ چه اینکه اگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله واقعاً ابوبکر را امر به امامت کرده بود، چرا با وجود شدت ضعف و بیماری، به حدی که پاهایشان بر زمین کشیده می‌شد (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۲: ۳۵؛ مسلم، ۱۴۱۲ق، ۱: ۳۱۴)، به مسجد آمدند تا ابوبکر را کنار بزنند یا خود را به کنار او برسانند؟! بنا بر این، خروج حضرت از حجره و کنار زدن ابوبکر، تنها یک اقدام اصلاحی نبود، بلکه اقدامی برای عزل او بوده است (مفید، ۱۴۱۳ق [الف]، ۱: ۱۸۳).

برخی این خروج حضرت را ناشی از غضب ایشان بر ابوبکر دانسته‌اند، زیرا او دستور اجرای سپاه اسامه را نادیده گرفته و بدون اذن وارد مدینه شده بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۸: ۱۳۴).

ه) **تعارض با حقایق مسلم تاریخی و روایات صحیح‌تر:** متن این حدیث، در هر دو شکل خود (قرطاس و نماز)، با حقایق مسلم تاریخی و روایات صحیح‌تر در تعارض است. اگر مقدم داشتن در نماز دلالت بر افضلیت و خلافت دارد، پس باید کسانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پشت سرشان نماز خواندند، مانند «عبدالرحمن بن عوف» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۸: ۱۶۱)، یا کسانی که آن‌ها را در مدینه یا در غزوات، امیر لشکر قرار دادند، مانند: ابن ام مکتوم (ابوداود، ۱۴۲۰ق، ۱: ۲۸۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۴: ۱۵۵)، سالم مولی حدیفه

(بخاری، ۱۴۱۰ق، ۱۱: ۵۱) و عمرو بن عاص (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲: ۱۰۰) نیز ادعای خلافت می کردند. حال آن که هیچ کس چنین ادعایی نکرد و حتی در مورد عبدالرحمن بن عوف، کسی نگفت که او افضل از عمر و ابوبکر است. بنابراین، تقدیم و امامت در نماز، دلالتی بر امامت عظمی و خلافت ندارد (ر.ک: مقاتل، ۱۴۲۳ق، ۱: ۱۹۵ - ۲۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۸: ۱۶۷ - ۱۷۱).

۴-۴. نقش بغض عایشه و تحلیل واژگان کلیدی

از آن جا که عایشه در نقل این حوادث، متهم به غرض ورزی و بغض نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۸: ۱۴۹؛ شوشتری، ۱۳۶۷ق، ۲: ۱۰۵؛ حسینی میلانی، ۱۴۱۳ق: ۱۹۵)، اعتبار روایت، به شدت مخدوش می شود. دلیل روشن بر این بغض، پنهان کاری او در ذکر نام امیرالمؤمنین علیه السلام در گزارش خروج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حجره است. عایشه ذکر می کند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله تکیه بر عباس و مردی دیگر داده بود (مسلم، ۱۴۱۲ق، ۱: ۳۱۲؛ بخاری، ۱۴۱۰ق، ۲: ۵۱). ابن عباس تصریح می کند که آن مرد علی بن ابی طالب علیه السلام بود (همان ها)؛ که عایشه قلباً نمی خواست از ایشان ذکر خیری داشته باشد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲: ۱۷۹).

همچنین، تحلیل عبارات کلیدی حدیث، پرده از اهداف راویان برمی دارد:

أ) تعبیر «رَجُلٌ أَسِيفٌ»: عایشه پدرش را با این صفت توصیف کرد و دلیل آورد که او به دلیل اینکه نمی تواند از گریه خودداری کند (به دلیل وخامت حال پیامبر صلی الله علیه و آله)، نمی تواند صدای قرائت خود را به مردم برساند (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۲: ۶۴ - ۶۶؛ مسلم، ۱۴۱۲ق، ۱: ۳۱۴؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۴۲: ۱۵۲ و ۴۹۴؛ همان، ۴۳: ۶۰).

اگر ابوبکر به دلیل رقت قلب و گریه، بر یک وظیفه جزئی (امامت در نماز) شایسته نبود، چگونه می توانست برای وظیفه عظیم خلافت و امامت کبری که نیازمند صلابت و تدبیر است، شایسته باشد؟ این اعتراف عایشه، خود شاهی صریح بر عدم صلاحیت او برای امامت عامه است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۸: ۱۳۹).

ب) تعبیر «إِنَّكَنَّ صَوَاحِبَ يُوْسُفَ»: متکلمان امامیه این تشبیه را نشانه طعن، عتاب، و اشاره به مکر و حيله ورزی در جهت دستیابی به شرافت و فخر برای پدرانشان می دانند (علم الهدی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۱۵۹؛ مفید، ۱۴۱۳ق [ب]: ۱۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۸: ۱۵۴). صواحب یوسف کسانی بودند که به خاطر هوی و هوس، در صدد فریب دادن یوسف علیه السلام بودند (مفید، همان). بنابراین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که حکیم ترین و فصیح ترین افراد است، با این سخن نشان می دهد که این درخواستها موافق غرض نبوی صلی الله علیه و آله نبوده، بلکه برآمده از حيله آنان است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله از این اقدام متنفر و خشمگین شده

است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۸: ۱۵۹). این امر به‌طور واضح، خلاف دلالت بر رضایت نبی اکرم ﷺ از امامت ابوبکر است.

ج) تعبیر «یا بی الله و المؤمنون الا ابا بکر»: این عبارت از سوی برخی از اهل سنت، به معنای نص جلی بر خلافت ابوبکر تلقی شده است (ابن حزم، ۱۴۱۶ق، ۳: ۲۷). این تلقی از چند جهت باطل است، زیرا:

اولاً: اگر این جمله، اخبار از اجماع قطعی مؤمنان در آینده باشد، با توجه به مخالفت امیرالمؤمنین علیه السلام، بنی هاشم، عمار، سلمان، مقداد، و سعد بن عباده که همه جزء مؤمنان بودند، چنین اخباری کذب است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قطعاً از آن مبرا است (طبرسی، ۱۳۸۳: ۱۵۸؛ امینی، ۱۴۱۶ق، ۵: ۵۴۴)، و اگر این جمله به معنای نهی و منع از اختلاف باشد، پس کسانی که مخالفت کردند، از جمله امیرالمؤمنین علیه السلام - العیاذ بالله - فاسق بوده‌اند؛ در حالی که این امر با عقیده جمهور اهل سنت در مورد عدالت همه صحابه در تعارض است (امینی، همان).

ثانیاً: اگر نص صریحی چون «یا بی الله و المؤمنون» وجود داشت، ابوبکر و عمر هرگز از آن صرف نظر نمی‌کردند و به یک دلیل ضعیف و مشکوک - که امامت در نماز باشد - بسنده نمی‌کردند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲: ۱۷۳ و ۳: ۱۳۳؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۱: ۲۸۲ و ۶: ۳۰۹ و ۳۹۶؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۲۷۹). این مطلب نشان‌گر آن است که چنین عبارتی در زمان سقیفه، یا شناخته شده نبوده یا اعتباری نداشته است (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ۱: ۲۰۱). ابن ابی الحدید نیز در این باره می‌گوید اگر نص صریحی وجود داشت، ابوبکر آن را بر انصار احتجاج می‌کرد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ۶: ۱۲).

ثالثاً: شواهد تاریخی و اعترافات مخالفان، ماهیت سیاسی و غیرمنصوص بودن استخلاف را تقویت می‌کند. در پاسخ معاویه به محمد بن ابی بکر، معاویه به صراحت بیان می‌کند که «پدر تو و فاروق او (عمر) اولین کسانی بودند که حق ابن ابی طالب علیه السلام را به زور گرفتند و با او مخالفت کردند» (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ۳: ۱۲). معاویه در ادامه تصریح می‌کند: «اگر آنچه ما امروز در آن هستیم درست است، پدر تو اولین کسی است که آن را آغاز کرد، و اگر جور و ستم است، پدر تو آن را پایه‌گذاری نمود» (همان، ۳: ۱۳). این اعتراف تاریخی، که از سوی یکی از طرف‌های دعوا صورت گرفته، دلالت قاطع بر این دارد که تأسیس خلافت بلافاصل، نه بر اساس نص یا رضایت کامل، بلکه بر پایه مخالفت و به دست گرفتن قدرت صورت گرفته است.

۵. نقد دلالی و پیامدهای کلامی

نقطه کانونی در استدلال حامیان خلافت ابوبکر، مقدم داشتن او برای امامت در نماز است (ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ۲: ۲۴۳). آنها ادعا می‌کنند که نماز، عمود دین و افضل عبادات است و وقتی پیامبر اکرم ﷺ به امامت ابوبکر در دین (یعنی نماز) رضایت داد، این رضایت دلیلی بر رضایت به امامت او در امور دنیا (یعنی خلافت) نیز خواهد بود (ابن ابی العز، ۱۴۳۱ق، ۴: ۵۹-۵۹۱؛ ایجی، بی تا، ۴۰۷؛ هیتمی، بی تا، ۴۶).
این استدلال باطل است، زیرا:

اولاً: امامت در نماز یک ولایت مخصوص و محدود در حالتی مخصوص است که هیچ تعلق به امامت عامه و خلافت ندارد؛ زیرا امامت عظمی ولایات بسیاری را در بر می‌گیرد و مستمر است، در حالی که امامت در نماز چنین نیست (علم‌الهدی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۱۶۰).

ثانیاً: پیامبر اکرم ﷺ در زمان‌های مختلف، افرادی را به عنوان امام در نماز جماعت قرار داده‌اند، از جمله: «ابن ام مکتوم» (ر.ک: ابوداود، ۱۴۲۰ق، ۱: ۲۸۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۴: ۱۵۵)، «سالم مولی حدیفه» (ر.ک: بخاری، ۱۴۱۰ق، ۱۱: ۵۱)، «عمرو بن عاص» (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۲: ۱۰۰). اما کسی مقدم شدن آنها در امامت نماز را نشانه احقیقت آنها برای امامت کبری ندانست. همچنین، گزارش نماز خواندن پیامبر اکرم ﷺ پشت سر عبدالرحمن بن عوف، نزد خود مخالفان، از گزارش امامت ابوبکر در ایام بیماری پیامبر ﷺ قبل از رحلت، قطعی‌تر و آشکارتر است (علم‌الهدی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۱۶۱)، اما کسی نگفت عبدالرحمن بن عوف افضل از عمر و ابوبکر است (ر.ک: مقاتل، ۱۴۲۳ق، ۱: ۱۹۵-۲۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۸: ۱۶۷-۱۷۱).

ثالثاً: به اتفاق اهل سنت، نماز پشت سر هر بَرّ و فاجری، صحیح است و لزومی به اعاده نیست (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ۱: ۶۵). حتی برخی از آنها نماز پشت سر عبد را جایز دانسته و آن را صحیح شمرده‌اند؛ به طوری که بابی را به این عنوان اختصاص داده و آن را «بَابُ إِمَامَةِ الْعَبْدِ وَالْمَوْلَى» نام‌گذاری کرده‌اند (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۲: ۵۴). پس اگر امامت در نماز با این گستره و سهل‌گیری در شروط صحیح است، چگونه می‌تواند دال بر افضلیت مطلق و احقیقت به امامت عظمی باشد که نیازمند شروط سنگینی مثل قریشی‌بودن، عدالت، علم به سیاست و... است؟ (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ۱: ۱۹۹).

نتیجه‌گیری

حدیث «یأیی اللّٰه و رسوله إلاّ أبابکر»، نه نضی بر خلافت ابوبکر، و نه دلیلی بر استحقاق خلافت ابوبکر است، بلکه روایتی جعل‌شده و مخدوش است که کارکرد اصلی



- آن، توجیه خلافت بعد از وفات پیامبر اکرم ﷺ در بستر نزاع‌های سیاسی بوده است. نقد سندی و متنی حدیث، نتایج زیر را به دست می‌دهد:
۱. ضعف سندی و اتهام به غرض‌ورزی: این حدیث عمدتاً از طریق عایشه - که در این مورد متهم به جلب منفعت برای پدرش و بغض نسبت به امیر المؤمنین علیه السلام است - و راویان منحرف، مانند زهری و عروه نقل شده است.
 ۲. اضطراب متنی شدید: متن حدیث در خصوص کیفیت نماز، جایگاه پیامبر اکرم ﷺ که آیا به عنوان امام یا مأموم بوده، و علت انصراف حضرت از وصیت، دچار تهافت جدی است.
 ۳. تعارضات اساسی تاریخی: این روایت با دستور قطعی حضرت رسول ﷺ به ابوبکر و عمر برای پیوستن به جیش اسامه و نیز با ماجرای متواتر حدیث قرطاس تعارض دارد و تحریفی سیاسی از آن واقعه است.
 ۴. بطلان دلالت کلامی: استدلال به امامت در نماز برای اثبات امامت عظمی باطل است، زیرا ملازمه‌ای بین این دو وجود ندارد و شروط امامت عامه، یعنی خلافت، بسیار فراتر از امامت در نماز است.
 ۵. عدم احتجاج تاریخی: عدم استدلال به این «نص جلی» در حیاتی‌ترین لحظه سیاسی اسلام، یعنی سقیفه بنی ساعده توسط عمر و ابوبکر، دلیلی قاطع بر بی‌اعتباری یا مجعول بودن آن در زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ است.

فهرست منابع

١. ابن ابى الحديد، عبد الحميد بن هبه الله، ٤٠٤ق، *شرح نهج البلاغة*، محقق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى رحمه الله.
٢. ابن أبى العز، على بن على، ٤٣١ق، *الرياض الندية على شرح العقيدة الطحاوية*، رياض، دار الصمعى.
٣. ابن ابى العز، محمد بن على، ٢٠٠٥م، *شرح العقيدة الطحاوية*، محقق: ناصرالدين البانى، بغداد، دار الكتاب العربى.
٤. ابن ابى حاتم، عبدالرحمن بن محمد، بى تا، *الجرح والتعديل*، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
٥. ابن تيميه، أحمد بن عبد الحلیم، ٤٠٦ق، *منهاج السنة النبوية فى نقض كلام الشيعة القدرية*، محقق: محمد رشاد سالم، رياض، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
٦. ابن حبان، محمد بن حبان، ٣٩٣ق، *الثقات*، محقق: حسين ابراهيم زهران، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية.
٧. ابن حجر هيثمى، احمد بن محمد، بى تا، *الصواعق المحرقة فى الرد على أهل البدع و الزندقة*، تهران، بى تا.
٨. ابن حزم، على بن احمد، ٤١٦ق، *الفصل فى الملل و الأهواء و النحل*، محشى: احمد شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلمية.
٩. ابن حنبل، احمد بن محمد، ٤١٦ق، *مسند أحمد بن حنبل*، محقق: شعيب ارنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة.
١٠. ابن حيون، قاضى نعمان بن محمد مغربى، ٤٠٩ق، *شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار*، محقق: محمد حسينى جلالى، قم، دفتر انتشارات اسلامى.
١١. ابن سعد، محمد بن سعد، ٤١٠ق، *الطبقات الكبرى*، محقق: محمد عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية.
١٢. ابن شهر آشوب، محمد بن على، بى تا، *المناقب*، مصحح: هاشم رسولى، قم، علامه، قم، اول، بى تا.
١٣. ابن قدامه مقدسى، عبد الله بن أحمد، ٤٠٥ق، *المغنى فى فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيبانى*، بيروت، دار الفكر.

۱۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، بی تا، *البداية و النهاية*، محقق: خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر.
۱۵. ابن هشام، عبد الملک بن هشام، بی تا، *السيرة النبوية*، محقق: ابراهیم آبیاری، بیروت، دار المعرفة.
۱۶. ابوداود، سلیمان بن اشعث، ۱۴۲۰ق، *سنن أبي داود*، محقق: سید محمد سید، قاهره، دار الحديث.
۱۷. احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۹ق، *مکاتیب الرسول ﷺ*، قم، دار الحديث.
۱۸. امینی، عبدالحسین، ۱۴۱۶ق، *الغدير في الكتاب و السنة و الأدب*، قم، مرکز الغدير للدراسات الإسلامية.
۱۹. ایجی، عبد الرحمان بن احمد، بی تا، *المواقف في علم الكلام*، بیروت، عالم الكتب.
۲۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۱۰ق، *صحيح البخاري*، مصر، وزارة الاوقاف.
۲۱. بلاذری، احمد بن یحیی، بی تا، *أنساب الأشراف*، محقق: محمدباقر محمودی، مصر، دار المعارف.
۲۲. بیهقی، احمد بن حسین، ۱۴۲۴ق، *السنن الكبرى*، محقق: عبد القادر محمد عطا، بیروت، دار الكتب العلمية.
۲۳. تفتازانی، مسعود بن عمر، ۱۴۱۲ق، *شرح المقاصد*، محقق: عبد الرحمن عمیره، قم، الشریف الرضی.
۲۴. ثقفی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۹۵ش، *الغارات*، محقق: جلال الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی.
۲۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۳۵ق، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دار التاویل.
۲۶. حزین لاهیجی، محمدعلی بن ابیطالب، ۱۳۷۵ش، *فتح السبل*، مصحح: ناصر باقر بیدهندي، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۲۷. حسینی میلانی، علی، ۱۴۱۳ق، *الإمامة في أهم الكتب الكلامية*، قم، الشریف الرضی.
۲۸. شوشتري، محمدتقی، ۱۴۱۰ق، *قاموس الرجال*، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۹. شوشتري، نور الله بن شریف الدین، ۱۳۶۷ق، *الصوارم المهرقة في نقد الصواعق المحرقة*، محقق: جلال الدین محدث، تهران، مطبعة النهضة.
۳۰. شهرستاني، محمد بن عبد الکریم، ۱۴۱۵ق، *الملل و النحل*، محقق: علی حسن فاعور، بیروت، دار المعرفة.

٣١. طبرسي، حسن بن علي، ١٣٨٣ش، **كامل بهائي**، محقق: اكبر صفدرى قزوینی، تهران، مرتضوى.
٣٢. طوسى، محمد بن حسن، ١٣٨٢ش، **تلخيص الشافى**، قم، محبين.
٣٣. طوسى، محمد بن حسن، ١٤٢٧ق، **رجال الطوسى**، محقق: جواد قيومى، قم، مؤسسة النشر الإسلامى.
٣٤. جرجانى، على بن محمد، بى تا، **شرح المواقف**، قم، الشريف الرضى.
٣٥. علم الهدى، على بن حسين، ١٤٠٧ق، **الشافى فى الامامة**، محقق: عبد الزهراء حسینی، تهران، مؤسسة الصادق عليه السلام.
٣٦. قاضى عبدالجبار، بن احمد، بى تا، **المغنى فى أبواب التوحيد و العدل**، محقق: محمود محمد قاسم، بى جا، بى نا.
٣٧. لاهيجى، عبد الرزاق بن على، ١٣٨٣، **گوهر مراد**، تهران، نشر سايه.
٣٨. مامقانى، عبدالله، ١٣٥١ق، **تنقيح المقال فى علم الرجال**، نجف اشرف، مطبعة المرتضوية.
٣٩. مجلسى، محمدباقر بن محمدتقى، ١٤٠٣ق، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام**، بى تا، دار إحياء التراث العربى.
٤٠. مسعودى، على بن حسين، ١٤٠٩ق، **مروج الذهب**، محقق: يوسف اسعد داغر، قم، دار الهجرة.
٤١. مسلم، ابن حجاج نيشابورى، ١٤١٢ق، **صحيح مسلم**، محقق: محمدفؤاد عبدالباقي، مصر، دار الحديث.
٤٢. مفيد، محمد بن محمد، ١٤١٣ق [الف.أ]، **الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد**، محقق: على ميرشريفى، قم، كنگره بين المللى شيخ مفيد.
٤٣. مفيد، محمد بن محمد، ١٤١٣ق [ب.أ]، **الفصول المختارة**، محقق: على ميرشريفى، قم، كنگره بين المللى شيخ مفيد.
٤٤. مقاتل، ابن عطية، ١٤٢٣ق، **أبهى المداد فى شرح مؤتمر علماء بغداد**، بيروت، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
٤٥. نحاس، احمد بن محمد، بى تا، **الناسخ و المنسوخ**، محقق: محمد ادفوى، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية.
٤٦. نسائى، احمد بن على، ١٤١١ق، **السنن الكبرى**، محقق: سليمان بندارى، بيروت، دار الكتب العلمية..